

به نام خدا

جزوه درس روش تحقیق

استاد: دکتر سید جواد میرعابدینی

دانشگاه آزاد واحد اسلامی واحد تهران مرکزی

بخش اول: اجزای تشکیل دهنده یک پروپوزال/طرح تحقیقی

- عنوان تحقیق
- طرح مسأله
- سوالات تحقیق
- اهداف تحقیق
- محدوده تحقیق
- اهمیت تحقیق
- مرور ادبیات

این موارد هفت گانه مواردی هستند که در طرح مسأله باید توسط دانشجو مورد توجه قرار گیرند. و از بین این هفت مورد چیزی که در طول این ترم از دانشجویان مطالبه می شود؛ عنوان تحقیق متناسب با رشته ی خود یعنی علوم دانشگاهی، تنظیم سوال تحقیق که می تواند یکی یا دوسوال باشد و یا یک سوال با یک یا چند سوال فرعی باشد. تعداد سوالات بستگی به تصمیم محقق دارد؛ و متناسب با سوال تحقیق، هدف تحقیق خواسته می شود و در نهایت فرضیه.

پس عنوان، سوال تحقیق، هدف تحقیق و فرضیه این چهار آئمی هستند که دانشجو برای ارائه در کلاس باید آماده کند. در ارائه کلاسی چهار مورد فوق را بررسی نموده و در کلاس پیرامون آن صحبت می شود و اشکالات رفع می گردد.

شیوه ارزیابی کلاس :

3 نمره انجام ترجمه درسی از انگلیسی به پارسی

2 نمره ارائه کلاسی بر اساس موضوع تحقیق تایید شده دانشجو توسط استاد

2 نمره کار مقاله نویسی یا ارائه پروپوزال بر اساس موضوع تحقیق دانشجو

13 نمره امتحان پایان ترم از مطالب تدریسی در طول ترم توسط استاد

1- عنوان تحقیق

عنوان تحقیق باید دارای خصوصیات زیر باشد:

- **عنوان تحقیق باید مختصر و مفید باشد** و به عبارت دیگر نه کوتاه باشد و نه بلند. مختصر و مفید بودن یعنی تا حداکثر امکان از اصطلاحات اضافه خودداری شود. البته نه آن معنی که آنقدر کوتاه کنیم که به ماهیت عنوان آسیب برساند، ولی تا جایی که به محتوای عنوان و روشن بودن و شفافیت عنوان آسیبی نمی رساند باید مختصر و مفید باشد، پس نه خیلی کوتاه و نه خیلی بلند، بلکه در واقع جامع و مانع باشد. پس عنوان باید جامع و مانع باشد، یعنی در برگیرنده تمام مفاهیم و متغیرهایی که در آینده توضیح داده می شود بوده و در عین حال مانع باشد یعنی از ورود مفاهیم و متغیرهای جدید به موضوع شما جلوگیری نماید.
- **عنوان باید رسا و شفاف باشد.** به عبارتی ابهام در آن وجود نداشته باشد و خواننده وقتی آن را می خواند به راحتی متوجه منظور شما شود.
- **عنوان باید غیر سوالی باشد.** خصوصیت دیگر عنوان غیرسوالی بودن آن است. عنوانی که سوالی باشد، دیگر عنوان نیست، بلکه سوال است.
- **دارای محدوده زمانی و مکانی باشد.** تا حداکثر امکان، عنوان باید محدوده زمانی و مکانی داشته باشد، البته این در خصوص تمام تحقیق ها صدق نمی کند. به طور مثال اگر موضوعی نظری با مفهومی داشته باشید، در این صورت دیگر ضرورتاً نیاز به محدوده زمانی و مکانی کاربرد ندارد. و در موضوعات اندیشه ای یا نظری که به طور مثال در حال بررسی و مطالعه ی اندیشه یک فرد هستید، لازم نیست شما در عنوان، محدوده زمانی و مکانی داشته باشید و یا برخی اوقات، عنوان خودگویای محدوده زمانی و مکانی است و نیاز نیست شما زمان و مکان را بیاورید. به طور مثال ممکن است عنوان "سیاست خارجی ایران پس از برجام در قبال ایالات متحده" باشد، در اینجا شما حوزه مکانی تان و حوزه زمانی تان نیز مشخص است، که زمان آن مربوط به دوران پس از تصویب برجام است. حوزه مکانی آن نیز ایران و ایالات متحده است. نیاز نیست سال خاصی را بیاورید و یا تاکید کنید در ایران یا امریکا. اما در موارد دیگری که محدوده زمانی و مکانی شفاف نیست آن را در عنوان قرار می دهیم.
- **تا حد اکثر امکان هدف در عنوان مستقر و موجود باشد.** خصوصیت دیگر عنوان آن است که سعی شود هدف در عنوان مستقر و موجود باشد و خواننده پس از مطالعه عنوان شما بفهمد که هدف شما چیست. به طور مثال در عنوان "سیاست خارجی ایران در قبال ایالات متحده پس از برجام" خواننده متوجه می شود که هدف نویسنده یا محقق، مشخص کردن یا تبیین تغییراتی است که در سیاست خارجی

ایران در قبال ایالات متحده به واسطه برجام صورت پذیرفته است و به راحتی می تواند درک کند که هدف فهم تحولات سیاست خارجی ایران پس از واقعه برجام در قبال یک کشور خاص است. پس عنوان باید طوری طراحی شود که به شکلی هدف تحقیق در آن وجود داشته باشد و خواننده به راحتی قادر به تشخیص هدف باشد.

- **وجود متغیرها و مفاهیم اصلی موضوع مورد مطالعه در عنوان.** خصوصیت دیگری که عنوان تحقیق باید داشته باشد این است که در داخل آن متغیرها و مفاهیم اصلی موضوع مورد مطالعه وجود داشته باشند که در بحث متغیرها این موضوع بیشتر توضیح داده می شود. به عبارتی اگر متغیر وابسته و مستقل داریم، باید در عنوان مشخص باشد و یا اگر مفهوم خاصی را در تحقیق می خواهید مورد مطالعه قرار دهید، باید در عنوان تان وجود داشته باشد. به طور مثال شما می گوید "سیاست خارجی ایران پس از برجام در قبال ایالات متحده" اینجا متغیرهایتان این است که شما می خواهید در واقع تاثیر برجام را در سیاست خارجی ایران مطالعه کنید. پس علت برجام است و معلول سیاست خارجی ایران است پس متغیر مستقل شما برجام است و متغیر وابسته شما سیاست خارجی ایران است. البته در مورد متغیر، دیدگاه های مختلفی وجود دارد و به طور کلی بسیاری از محققین که در زمینه تحقیق کیفی کار می کنند، معتقدند که تحقیق کیفی متغیر ندارد و بیشتر با گزاره و مفهوم سروکار داریم، اما خوب آن چه که در ایران در زمینه پروپوزال نویسی رواج دارد این است که گزاره تاثیرگذار و تاثیرپذیر را تحت عنوان متغیرهای وابسته و مستقل و یا مفاهیم اصلی مشخص می کنند.

- **نو و جدید بودن عنوان تحقیق.** خصوصیت دیگر عنوان تحقیق، نو و جدید بودن آن است. نو و جدید بودن ضروراً به این معنا نیست که موضوع شما را کس دیگری کار نکرده باشد، که البته در ایران اینگونه رواج پیدا کرده که باید از سازمان "ایران داک" (Iran doc) برای موضوع خود استعلام و گزارش بگیرید که نباید مشابهتی در عنوان و محتوایتان با سایر موارد مشابه وجود داشته باشد که این کار را سخت می کند. نو و جدید بودن به معنای آن است که شما حرف جدیدی در این کار تحقیقی زده باشید، که در کارهای قبلی به آن اشاره نشده باشد، مثلاً به موضوع جدیدی اشاره کرده اید و به نکته و نقطه ی جدیدی رسیده اید هر چند کوچک.

- **عنوان مورد علاقه پژوهشگر باشد.** خصوصیت دیگر عنوان تحقیق آن است که باید مورد علاقه پژوهشگر باشد. مورد علاقه بودن آن باعث می شود که پژوهشگر با علاقه روی موضوع کار کند. کار پژوهشی سخت ترین نوع کار است. خواندن کتاب و مدرک گرفتن کار آسانی است، اما انجام یک کار پژوهشی خوب یکی از سخت ترین کارهای کره خاکی است. پس مثبت اندیشی و خوش بینی باشید لازمه انجام و به سر انجام رساندن کار تحقیقی می باشد. اما اگر کار کپی باشد، اساساً کار تحقیقی

وجود ندارد که کار سختی باشد. و اگر کار تحقیقی انجام شده باشد و کارهی دیگر به خوبی چک شده و خلاصه پردازی شده باشند در این صورت صرفاً حرف های دیگران را تکرار شده اند و این کار پژوهشی نیست، بلکه مرور ادبیات است. اما در کار پژوهشی شما باید حرف جدیدی بزنید بر اساس اطلاعات اولیه¹ جمع اوری شده و این حرف جدید باید براساس استنادات و مطالعه باشد و نه براساس سلیق و نظر شخصی. پس نو و جدید بودن، بیشتر در این مفهوم معنا و اهمیت پیدا می کند.

- **ارزش تحقیقی موضوع و عنوان.** تحقیقی که در حال انجام آن هستید باید دارای ارزش تحقیقی باشد. به طور مثال برخی موضوعات دیگر ارزش تحقیقی ندارند و به قول معروف چیزی برای گفتن در آن حیطه باقی نمانده است و به قدری روی آن کار شده و تحقیقات مختلفی صورت پذیرفته که دیگر برای شما امکان پذیر نیست که در آن حوضه حرف جدیدی بزنید. به عبارت دیگر موضوع اهمیت خود برای جامعه علمی را از دست داده است. پس این که تحقیق دارای ارزش تحقیقی باشد، یکی از خصوصیات مهم تحقیق در حال انجام است.

- **توان انجام آن کار تحقیقی توسط پژوهشگر.** یکی دیگر از مسایل مهم که محقق باید در کار تحقیقی مدنظر داشته باشد این است که محقق، توان انجام آن کار تحقیقی را داشته باشد. پس اگر موضوع در حیطه ی کاری و تخصصی محقق باشد بسیار بهتر است. به طور مثال شما یک کار تحقیقی انتخاب می کنید و پایه کار شما مصاحبه است و شما باید با آقای اواما مصاحبه کنید تا کار جلو برود و یا باید با رییس جمهور ایران مصاحبه داشته باشید و این امکان پذیر نیست و یا به طور مثال اگر موضوعی انتخاب شود که اصلاً منابع فارسی ندارد و همه منابع آن انگلیسی است و محقق انگلیسی مسلط نیست، یا مسلط است اما موضوعی که انتخاب کرده، منابعش به زبان روسی یا چینی است و محقق هیچ دسترسی ندارد و مجبور می شود به همان منابع محدود فارسی اکتفا کند و این ارزش کار را پایین می آورد زیرا جدید بودن و نو بودن کار را از بین می برد.

پس موضوعاتی انتخاب کنید که اول اینکه قادر به انجام آن باشید دوم آن که اگر در حیطه کار و تخصصی خودتان باشد، این کار را تخصصی تر و حرفه ای تر می کند و ارزش کار را افزایش می دهد و برای پژوهشگر نیز سودمند است، زیرا می تواند از تحقیق به صورت کاربردی و در حیطه ی کار خودش استفاده کند.

- **مورد نیاز جامعه بودن موضوع در تحقیق های کاربردی.** موضوع دیگر در خصوص تحقیق های کاربردی آن است که مورد نیاز جامعه باشد و مشکلی از جامعه را حل کند، البته منظور از جامعه می تواند جامعه خودتان، شهرتان، کشورتان و یا جامعه جهانی باشد، به همین خاطر است که شما طرح

¹ Primary data

مسئله می کنید، در واقع شما با طرح مسئله بیان میکنید که شما چه معضلی را توضیح می دهید (که در بخش طرح مسئله بیشتر توضیح داده می شود).

زیرا در طرح مسئله شما مشخص می کنید که چه خلاء علمی وجود دارد که من می خواهم توضیحش دهم و پاسخ دادن به این خلاء علمی در واقع به نوبه ی خود، به دانش چیزی می افزاید و به قولی در جلسات دفاع خارج از کشور، ابتدا از شما می پرسند که شما چه چیز به علم اضافه کرده اید...؟! و وقتی شما چیزی به علم اضافه می کنید، که در واقع همان حرف های نو و جدید خودتان است و در حیطه ای ورود کرده اید که کس دیگری به آن نپرداخته است و به خودی خود این می تواند گره هایی هرچند کوچک را از یک جامعه باز کند و به همین خاطر به خودی خود نیاز جامعه را برطرف می کند و مشکلات را حل می کند.

- **موضوع تحقیق علمی و قابل اجرا باشد.** توان انجام تحقیق با موضوع تحقیق عملی قابل اجرا باشد، متفاوت است. به طور مثال اگر شما موضوعی انتخاب کنید که تمام منابعش به زبان چینی باشد، شما توانش را ندارید. اما ممکن است تحقیقی غیرقابل اجرا باشد و شما نتوانید اطلاعاتی درباره اش جمع کنید و هیچ چیز در دسترس نیست و هیچ منبع و اطلاعات اولیه ای وجود ندارد و منابع خام هم نمی توانید جمع آوری کنید و یا اینکه شما باید به دورترین نقاط دنیا برای این موضوع سفر کنید و این برای شما امکان پذیر نیست و یا برخی مواقع موضوعتان آن قدر گسترده می شود که شما نمی توانید ورود کنید و نمی دانید داده های شما چیست؟ و یا اطلاعات اولیه شما چیست؟

2- طرح مسئله:

طرح مسئله مهمترین قسمت طرح تحقیق است. در طرح مسئله مشخص میکنیم که چه خلای در حوزه مطالعاتی که کار میکنیم وجود دارد که شما را ترغیب کرده است به انجام این تحقیق و به پاسخ دادن به سوالاتی که خلاء را پر کند. طرح مسئله سوال شما را باز میکند و تشریح میکند و به خوبی روشن میکند که چه چیزی را میخواهید مورد بحث قرار دهید. همین طرح مسئله در نهایت به سوال شما منجر میشود. لذا در نهایت در طرح مسئله به خودی خود سوال شما مطرح میشود و سوال را در یک الی دو خط مطرح میکنید.

- تعریف طرح مسئله :

طرح مسئله در واقع خلاء یا سوالی است که در ذهن پژوهشگر در خصوص موضوع مورد مطالعه مطرح میشود. پس زمانی که میخواهید کار تحقیقی انجام دهید قاعدتاً طرح تحقیق از سوالی که در ذهن شماست ناشی میگردد و اگر بخواهید بدون مقدمه سوال را بنویسید شاید خواننده متوجه هدف شما نشود به همین دلیل طرح مسئله مطرح میشود. در طرح مسئله دغدغه و خلاء ذهنی محقق تشریح میشود به این ترتیب به شکلی خواننده متوجه میشود که محقق میخواهد چه کاری انجام دهد.

- اجزای تشکیل دهنده طرح مسئله:

طرح مسئله دارای چه اجزایی است و به چه شکل نوشته میشود؟ طرح مسئله در 3 بخش نوشته میشود.

قسمت اول: در خصوص اثبات وجود معضل و یا به بیان دیگر وجود مسئله ای برای مطالعه میباشد. در قسمت اول طرح مسئله توضیح میدهد که معضل یا مسئله ای یا خلاء علمی برای مطالعه وجود دارد که میخواهید آن را مورد مطالعه قرار دهید و ریشه یابی کنید یا پاسخی پیدا کنید و یا مشکلی حل کنید. پس در قسمت اول طرح مسئله ثابت میکنیم که اساساً مسئله ای برای مطالعه وجود دارد.

قسمت دوم: طرح مسئله این است که باید ابعاد مسئله مورد نظر مطرح شود یعنی بعد از اینکه شما ثابت میکنید که در حوزه مطالعاتی شما معضلی یا یک خلاء علمی وجود دارد؛ حال میخواهید بگویید این معضل چه ابعادی دارد و چه مشکلاتی ایجاد میکند و چه حوزه هایی را تحت تأثیر قرار میدهد و پاسخ ندادن به آن چه شرایطی ایجاد میکند.

مثال: در جامعه شناسی میگوییم مسئله فرزندانی هستند که پدران معتاد دارند. شما اول وجود معضل را اثبات میکنید و میگویید که بله این قضیه وجود دارد و n درصد کودکان، فرزندان پدران معتاد هستند. طبق آمار و در ابعاد مشخص میکنید این فرزندان دارای پدر یا مادر معتاد چه تأثیراتی در جامعه میتوانند داشته باشند و دچار چه مشکلاتی میتوانند بشوند و در نهایت میخواهید به این برسید که چه مشکلاتی میتواند ایجاد شود و چه راه حلی میتوان برای حل این مسئله ارائه داد.

مثال: در حوزه علوم سیاسی و روابط بین الملل برجام چه تأثیری بر امنیت ملی ایران دارد. وجود معضل: مشخص نیست که برجام در آینده چه تأثیراتی میتواند بر امنیت ملی داشته باشد. ابعاد: عدم روشن شدن این مسئله چه تأثیراتی میتواند روی امنیت ملی داشته باشد که با پاسخ دادن به این مسئله میتوانیم از آنها جلوگیری کنیم. یعنی شما ابعاد مسئله مورد نظر را تشریح میکنید.

قسمت سوم: در این قسمت باید متغیرها و مفاهیم اصلی مورد مطالعه را مشخص کنیم و توضیح کوتاهی در مورد آن و نحوه مطالعه آن بدهیم. به این معنا که قاعدتاً در عنوان یک سری مفاهیم و متغیرها داریم که در سوالات مطرح میشود و در فرضیه و اهداف تمرکز اصلی بحث است. این متغیرها را باید مشخص کرده و بگوییم که به چه شکل میخواهیم آن را مورد مطالعه قرار دهیم. در مورد مثال فرزندان پدران معتاد، تمرکز موضوع روی بحث اعتیاد و فرزندان پدران معتاد است.

مفاهیم و متغیرهای اصلی (1) اعتیاد در خانواده‌ها و پدر معتاد (2) فرزندانی که در این خانواده‌ها زندگی میکنند. حالا باید مشخص کنیم که به چه شکل میخواهیم آن را مطالعه کنیم. به اشکال زیر می توان مشخص کرد که متغیرها به چه شکل مورد مطالعه قرار می گیرند:

- میخواهیم رابطه را مشخص کنیم که اصلاً بین شکل رفتار فرزندان و پدر و مادر معتاد رابطه ای وجود

دارد یا خیر؟

- این رابطه وجود دارد طبق تحقیقات پیشین و می‌خواهیم بگوییم این رابطه چه تأثیراتی روی فرزندان می‌گذارد.

یا در مثال علوم سیاسی روابط بین الملل بحث برجام یکی از مفاهیم و متغیرهاست و متغیر دیگر امنیت ملی است.

- اصلاً می‌خواهیم اثبات کنیم که رابطه ای خیر بین برجام و امنیت ملی وجود دارد و هدف ما مطالعه رابطه است و نه اثر.

- یا می‌خواهیم بگوییم که میدانیم رابطه وجود دارد و حال می‌خواهیم بگوییم که حاصل این رابطه چیست و برجام چه تأثیری روی امنیت ملی می‌تواند داشته باشد.

این سه بخش طرح مسئله در پاراگراف های 7 تا 10 خطی نوشته شود. البته این میزان بسته به نگاه محقق می‌تواند متفاوت باشد.

3- سوالات تحقیق و خصوصیات آن :

همانطور که گفتیم ، طرح مسئله باید به شکلی تنظیم شود که در نهایت به سوال تحقیق منجر شود . یعنی در جملات پایانی طرح مسئله خواننده باید هدایت شود به طرف يك سوال (البته از نظر شکلی می‌تواند قبل از طرح مسئله هم نوشته شود). در تدوین سوالات تحقیق توجه به موارد زیر لازم است:

- سؤال یا سوالات تحقیق باید از اهداف و یا بالعکس ناشی شوند. زیرا سوالات و اهداف با یکدیگر مرتبط هستند. اگر سوال را اول تنظیم میکنید اهداف باید دقیقاً از سوالات مشتق شوند، و اگر اهداف را اول مینویسید پس سوالات باید از اهداف مشتق شوند . منظور از ناشی شدن و مشتق شدن یعنی دقیقاً متغیرها و مفاهیمی که در اهداف است باید در سوال هم باشد و متغیرها و مفاهیمی که در هر دوی اینها هست در عنوان شما باشد . ه عبارت دیگر عنوان راهنمای هدایت گر تنظیم طرح مسئله ، سوال و هدف است. یعنی نمیتوانید مفاهیمی را وارد سوال کنید که در عنوان وجود ندارد .

مثال : موضوع - تأثیر برجام بر امنیت ملی ایران. مفاهیم و متغیرهای اصلی در این عنوان، برجام و امنیت ملی ایران است و شما نمیتوانید سوال را بنویسید برجام چه تأثیری بر موازنه قوا در منطقه خاورمیانه دارد یا برجام چه تأثیری بر تحریمها دارد. سوال شما باید متمرکز بر برجام و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران باشد. یکی از تأثیرات برجام میتواند کاهش تحریمها باشد که در نهایت منجر به افزایش امنیت ملی شود اما این نمیتواند به عنوان سوال اصلی مطرح شود و شاید بتوان به عنوان سوال فرعی مطرح کرد و یا در محتوا به آن به عنوان یکی از فاکتورهای تأثیرگذار اشاره کرد. اما در سوال اصلی باید دقیقاً روی گزاره‌ها و مفاهیمی متمرکز شویم که در عنوان و اهدافمان وجود دارد. یا در تنظیم هدف باید دقیقاً روی مفاهیم و گزاره‌هایی متمرکز شویم که در عنوان یا سوال وجود دارد و نمیتوان ناگهان گزاره‌ای جدید وارد کرد .

مثال : موضوع- تحقیق تأثیر برجام بر امنیت ملی ایران. نمیتوانیم ناگهانی در سوال اصلی بنویسیم عربستان چه تأثیری بر برجام دارد یا تأثیر عربستان بر مذاکرات چه تأثیری بر امنیت ملی دارد. عربستان موضوع بحث نیست و در عنوان وجود ندارد و نمیتوانیم بطور ناگهانی آن را در سوال وارد کنیم. میتوانیم بطور مثال در یکی از فصول به عربستان بعنوان یکی از فاکتورهایی که در مسئله برجام مؤثر است بپردازیم و در پاسخ به سوال به عربستان برسیم ولی قبل از ورود به تحقیق نمیتوانیم یک فاکتور جدید وارد سوال کنیم. پس سوال باید کاملاً ریشه در عنوان داشته باشد و همان مفاهیم و ریشه ها را اجرا کند و اگر هم از مفاهیم دیگری استفاده میشود در اصل آن مفاهیم باید ریشه در مفاهیم اصلی داشته باشد.

بطور مثال وقتی میخواهیم در مورد برجام سوال بپرسیم یکی از سوالات فرعی میتواند بحث تحریمها باشد چون خود این از مفهوم برجام یا از مذاکرات هسته‌ای بیرون آمده است. وقتی در مورد امنیت ملی صحبت میکنید میتوانید یکی از سوالهایتان را روی مباحث اقتصادی مطرح کنید که چه تأثیری روی امنیت ملی دارد چون میگویید برجام بطور مستقیم روی تحریمهای اقتصادی تأثیرگذار است. پس مفاهیم اصلی شما باید دقیقاً هماهنگ باشد بین سوالات اهداف و عنوان.

- باید در داخل سوالات متغیرها یا مفاهیم مشخص باشند. در مورد متغیرها یا مفاهیم در سوال صحبت کردیم و گفتیم که باید همان متغیرهایی که در عنوان وجود دارد و در طرح مسئله مشخص شده باید در سوالات و اهداف هم وجود داشته باشد و این که میگوییم سوالات باید از اهداف و بالعکس مشتق شود در اصل تمرکز بیشتر روی متغیرها یا مفاهیم است.

- خصوصیت سومی که باید در طراحی سوال به آن توجه شود این است که تا حد اکثر امکان از آوردن کلمه آیا در ابتدای سوالات خودداری شود یا به عبارت دیگر بهتر است که از لغت آیا در سوالات استفاده نشود. بطور کلی استفاد از لغت آیا چندان برای سوال تحقیق مناسب نیست. آیا ماهیت سوال را مشخص نمیکند و فقط به شما میگویند در چیزی شک وجود دارد و جواب به وجود این شک "بله" یا "خیر" است. اما سوال باید به شکلی تنظیم شود که خواننده دقیقاً متوجه شود که شما چه چیزی را میخواهید مطالعه کنید.

مثال: میگوییم چرا برجام بر امنیت ملی تأثیر دارد؟ دقیقاً در اینجا خواننده متوجه میشود که شما چرایی این قضیه را میخواهید مورد مطالعه قرار دهید. جایی دیگر میگوییم که برجام چگونه بر امنیت ملی ایران تأثیر میگذارد؟ در اینجا توضیح میدهیم که برجام از چه طریقی و به چه شکلی تأثیرگذاری انجام میدهد. اما وقتی میپرسیم که آیا برجام بر امنیت ملی ایران تأثیر دارد؟ جواب در اینجا بله یا خیر است. حال ممکن است شما در مورد این 200 صفحه هم بنویسید اما خواننده از این سوال نمیتواند بفهمد که شما بر چرایی تمرکز دارید یا بر چگونگی، یا آیا میخواهید به هر دو پاسخ دهید یا موارد دیگری که به شکلهای دیگر که در ذهن شماست. هیچ

یک از این موارد در سوال آیا مشخص نیست در نتیجه خواننده گیج میشود و نمیداند که شما چه چیزی را میخواهید مطالعه کنید . حال ممکن است که شما بگویید خواننده کل کار را بخواند و بفهمد در مورد چه چیز میخواهیم مطالعه انجام دهیم . ولی خواننده باید در ابتدای امر بداند آیا کاری که میخواهد بخواند در نهایت به سوالی که در ذهن دارد پاسخ میدهد و میتواند به او کمک کند و در غیراین صورت به کار دیگری مراجعه کند. یا حتی خود محقق باید دقیق بداند که میخواهد چه کاری انجام دهد چون اگر صرفاً یک آیا می تواند از هر چیزی در تحقیق صحبت کند .

- خصوصیت چهارم این است که سوالات باید تا حداکثر امکان محدود یا کوتاه ، شفاف و بدون ابهام باشد، و البته این بدین معنا نیست که شما حتماً باید سؤالتان را کوتاه کنید. سوالات تا جایی باید کوتاه شود که به محتوای سوال آسیب نرسد و اگر ببینیم که کوتاه کردن سوال به محتوا و شفافیت سوال آسیب میرساند یا باعث ابهام در سوال میشود دیگر نیاز نیست سوال را کوتاه کنید . بنابراین سوال باید تا حداکثر امکان کوتاه و شفاف باشد به شرطی که به محتوای سوال آسیب نرسد و اگر شفافیت سوال میطلبد که سوال طولانی تر شود و یا برای جلوگیری از ابهام در سوال، سوال را طولانی تر بپرسید، مشکلی نیست در غیر این صورت تا حداکثر امکان سوال باید کوتاه ، شفاف و بدون ابهام باشد .

سوال به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم بندی میشود و محقق میتواند فقط یک سوال اصلی داشته باشد و هیچ اجباری وجود ندارد که حتماً سوالات فرعی داشته باشد. حتی محقق میتواند 3 سوال اصلی داشته باشد . بطور مثال سوالات را بطور پلکانی تنظیم کند که سوال اول مقدمه یا پاسخ به سوال دوم و سوال دوم مقدمه پاسخ به سوال سوم باشد یا این که برخی یکی از این 3 سوال را سوال اصلی و سوالات بعدی را سوالات فرعی قرار میدهند. قاعده‌تاً هر سوالی که تنظیم میکنید بهترین شیوه آن است که یک فصل به آن اختصاص دهید . حجیم ترین فصل باید مربوط به سوال اصلی باشد . تعداد یا عدم وجود سؤالات فرعی کاملاً وابسته به پژوهشگر و ماهیت تحقیق است و این درست نیست که بگوییم حتماً باید سوالات فرعی با تعداد مشخصی وجود داشته باشد یا خیر. اما خصوصیتی که در مورد سوالات گفتیم ، اینها باید وجود داشته باشد .

4- هدف تحقیق:

قاعده‌تاً هدف چیزی هست که شما میخواهید به آن برسید و سوالی که طراحی میکنید در اصل به شکلی تنظیم میشود که در اصل برای رسیدن به آن هدف به شما کمک کند . هدف شما در مطالعه مثال برجام و امنیت ملی ایران این است که بفهمید آیا اساساً ارتباطی بین برجام و امنیت ملی وجود دارد و یا اینکه هدف این است که بفهمید برجام چه تأثیری بر امنیت ملی ایران دارد. شما وقتی تأثیر را مشخص کنید و توضیح دهید در اصل به هدفتان رسیده اید. پس هدف نقطه‌ای است که شما قصد رسیدن به آن را دارید و در اصل همان پاسخ به سوال

اصلی است. تعریف دیگر هدف، پاسخ دادن به سوال اصلی است، به همین دلیل هدف از سوال مشتق میشود و سوال از هدف. هدف هم مانند سوال دارای خصوصیتی است:

- این که هدف باید به شکلی باشد که قابل حصول باشد و نباید هدفی داشته باشید که اصلاً انجام آن غیرممکن باشد.
- قصد و نیت محقق در تنظیم هدف کاملاً مشخص باشد یعنی وقتی خواننده هدف را میخواند دقیقاً بفهمد که محقق چه قصد و نیتی دارد.
- قابل بررسی باشد و خیلی ذهنی هم نباشد و فاکتورهای بیرونی داشته باشد که بتوان آنها را مورد بررسی قرار داد.
- تحقیق باید صریح و بدون ابهام و عملی باشد. دقیقاً همان خصوصیتی که در مورد سوالات هم وجود دارد. متغیرها دقیقاً همان متغیرها، تا حداکثر امکان کوتاه تنظیم شود، زیاده‌گویی نشود تا جایی که به ماهیت هدف آسیب نمی‌رسد و ایجاد ابهام نکند.
- اهداف را به دو دسته کلی و جزئی تقسیم می‌کنند. که همان اهداف اصلی و فرعی هستند. این تقسیم بندی هم به محقق باز م یگردد و میتواند فقط یک هدف تعیین کند یا این که میتواند هدف کلی و جزئی داشته باشد که آن هم بستگی به سوال دارد. اگر سوالات فرعی دارید و سوال اصلی، متناسب با آن میتوانید اهداف کلی و جزئی تنظیم کنید اما بطور کلی بستگی به محقق دارد.
- منظور از هدف کلی همان موضوع تحقیق است که قصد مشخص کردن و رسیدن به آن را داریم. هدف کلی معمولاً در یک جمله صریح، قابل فهم و کوتاه گفته میشود. اهداف جزئی یا اختصاصی یا فرعی از تقسیم یا شکستن هدف کلی به اجزاء کوچکتر بدست می‌آید. به عبارت دیگر اهداف جزئی راه رسیدن به هدف کلی را قدم به قدم مشخص می‌کنند. پس هدف کلی مستقیماً از موضوع تحقیق مشتق میشود و اهداف جزئی یا فرعی میتوانند از مسئله پژوهش یا از اهداف کلی مشتق شوند و در واقع زیرمجموعه هدف کلی هستند. این اهداف تا حد زیادی میتوانند به محقق کمک کنند که مشخص کند چه چیزی انجام میشود و چه چیزی انجام نمیشود.

5- اهمیت تحقیق:

مشخص می‌کند که یک تحقیق چه برجستگی‌ها و ویژگی‌های مشخصی دارد که ارزش دارد برای انجام آن هزینه و انرژی صرف می‌کنیم. در اهمیت تحقیق بر روی این موضوع متمرکز هستیم که آیا موضوع مورد تحقیق ارزش تحقیق را دارد یا نه. هر مسئله‌ای صرفاً قابل تحقیق بودن، نباید موضوع تحقیق باشد. باید به اهمیت توجه داشت تا اگر ارزش کافی ندارد، وقت، انرژی و هزینه تلف نشود. در اهمیت تحقیق توضیح می‌دهیم که این تحقیق چرا دارای اهمیت است. اهمیت تحقیق را نباید با اهمیت موضوع اشتباه گرفت. به طور مثال در خصوص مثال برجام و امنیت ملی اکثراً بر روی این موضوع متمرکز می‌شوند که برجام دارای چه اهمیتی

است؟ در حالی که در "تاثیر" برجام بر اهمیت ملی ایران خود "تاثیر" موضوع اصلی مطالعه است و باید مشخص شود که چگونگی این تاثیر تا چه اندازه دارای اهمیت است. خود برجام و امنیت ملی را که همه می دانند دارای اهمیت است. باید مشخص شود که تاثیر و محوریت موضوع مورد مطالعه دارای چه اهمیتی است. چرا ارزش بررسی، مطالعه و کنکاش را دارد.

6- مرور ادبیات

سوال اصلی این است که چرا مرور ادبیات لازم است. چه دلایلی برای انجام مرور ادبیات وجود دارد، به طور کلی علت انجام مرور ادبیات در یک جمله عبارت است از اینکه "چه کارهایی تا به حال در حیطه موضوع مورد مطالعه ما انجام شده است و چه کارهایی انجام نشده است"؟² (چه خلاء هایی وجود دارد؟). موارد زیر دلایل جزئی تر انجام مرور ادبیات هستند:

- مرور ادبیات مشخص می کند که تحقیق مورد نظر در غالب کدام خانواده علمی و تحقیقی بوده است و آیا با آن خانواده هماهنگ می باشد یا نه؟ زمانی که نظریه ها، مقاله ها، کتب، و پایان نامه های قبلی را بررسی می کنیم، مشخص می کنیم که تحقیقمان در کدام خانواده علمی یا به عبارت دیگر رشته مطالعاتی قرار دارد.

- مرور ادبیات مشخص می کند، آیا ارتباط منطقی میان اطلاعات پژوهش با پژوهش های قبلی و طرح مسئله یا مسئله تحقیق وجود دارد. مرور ادبیات ارتباط منطقی میان اطلاعات پژوهش، پژوهش های پیشین و بیان مسئله را مشخص می کند. مرور ادبیات مشخص می کند که بر اساس نظر شخصی تصمیم گیری نکرده ایم. یک پیشینه وجود دارد. بر اساس پیشینه و مطالعه متوجه شده ایم که خلاء وجود دارد و طرح مسئله بیان شده است.

- چهارچوب نظری تحقیق را مشخص می کند. نظریه های موجود در حیطه مورد مطالعه را مورد بررسی قرار می دهیم. در نهایت تصمیم می گیریم که کدام نظریه با یافته های ما تطابق دارد. اگر هم کمی است، بر اساس کدام یک از نظریه ها کارمان را پیش می بریم. با مطالعه نظریه های موجود نظریه تحقیق مورد نظرمان را هم مشخص می کنیم.

- کمک می کند که روش پژوهش را مشخص کنیم. در مقاله ها، کتب و پایان نامه ها روش های پژوهش های پیشین را مورد مطالعه قرار می دهیم و نتایج آنها را نقد بررسی می کنیم. مطالعه روش های پژوهش تحقیقات پیشین و بررسی نتایج آنها به ما کمک می کند که بدانیم کدام روش بیشترین کاربرد و استفاده را دارد. تنها با خواندن کتب روش تحقیق نمی توانیم روش مورد نظرمان را پیدا کنیم. خواندن و

² What has been done and what has not been done?

بررسی روش های تحقیق پژوهش های قبلی می تواند، به صورت عملی ما را درگیر کار پژوهشی کند و می توانیم در خصوص روش تحقیق تصمیم بگیریم.

- از دوباره کاری جلوگیری می کند. به این معنا که مرور ادبیات موجب می شود که کار تکراری انجام ندهیم. کار های پیشین را چک کنیم و به یک کار جدید رجوع می کنیم.

- نقاط ضعف پژوهش های پیشین را مشخص می کند. با نقاط ضعف پژوهش های پیشین آشنا می شویم که آنها را دوباره تکرار نکنیم. در این شرایط نقاط قوت را تقویت می کنیم و بر روی آنها متمرکز می شویم. اگر روش، انتخاب نظریه و چگونگی جمع آوری اطلاعات آنها ضعف داشته است، به آن ضعف ها آگاه می شویم.

- منابع اطلاعاتی مرتب با موضوع مورد پژوهش ما را مشخص یا معرفی می کند. با خواندن منابع پیشین متوجه می شویم که ان ها بهترین منابع را از کجا بدست آورده اند و از آزمون و خطا فاصله می گیریم.

مرور ادبیات حجیم ترین قسمت کار تحقیقی است. نباید کار های انجام شده را صرفاً گزارش کنیم بلکه باید نقد و بررسی شود. و در صورت نیاز باید با هم مقایسه شود.

بخش دوم: طراحی پژوهش

برای یک طرح تحقیق باید به سوالات متعددی پاسخ داده شود و در خصوص آنها تصمیم گیری شود. در طراحی پژوهش تصمیم گیری های متعددی را باید انجام دهیم. برای مثال:

- برای بررسی موضوع به چه نوع طراحی نیاز دارید؟

- روش های گرد آوری اطلاعات ما چیست؟

- تجزیه و تحلیل به چه شکل است؟

- تفسیر داده ها به چه شکل صورت گیرد؟

- چه نوع نگرشی نسب به تحقیق داریم؟

- طراحی پژوهش:

طراحی پژوهش در اصل ماهیت پژوهش ما را مشخص می کند. به طور کلان 3 نوع طراحی پژوهش (روش تحقیق) وجود دارد که ماهیت پژوهش را مشخص می کنند:

- طراحی کمی

- طراحی کیفی

- طراحی ترکیبی

این سه رویکر بر خلاف آنچه به نظر می آید و یا از آنها ما تصور می کنیم، به طور صد در صد از هم جدا و منفک نیستند، در واقع روش های کمی و کیفی را نباید 2 سوی متضاد ذکر کرد. در واقع یک طیف تحقیقاتی هستند که هر کدام یک سو هستند و مانند زنجیر به هم وصل هستند. روش ترکیبی در میانه این زنجیره قرار دارد؛ زیرا عناصری از روش کمی و کیفی را در خود جای داده است. تفاوت این روش ها و بیشتر جدایی بین روش کمی و کیفی استفاده از کلمات کیفی به جای اعداد کمی است.

پرسش های انتها بسته برای فرضیه کمی مورد استفاده قرار می گیرد. به جای پرسش های انتها باز که در پرسش های مصاحبه کیفی محصور کار تحقیقی را شکل می دهد.

این دو روش در فرضیه ها با هم تفاوت دارند. یکی فرضیه فلسفی ارائه می دهد و دیگری فرضیه های هم بستگی و ارتباط بین متغیرها را مشخص می کند.

تاریخچه:

روش های کمی و کیفی در اواخر قرن 16 تا اواسط قرن 20 کاربرد داشتند. روش های کمی بر انواع پژوهش های علوم اجتماعی در این دوره چیره بود. در طول نیمه دوم قرن بیستم پژوهش های کیفی اهمیت بیشتری پیدا کرد. روش های کمی هم بعد از آن در عرصه علوم اجتماعی وارد شدند.

- **روش کیفی:** ابزارهایی برای کشف و درک معانی است که افراد یا گروه ها را با موضوع علوم انسانی یا اجتماعی در ارتباط می پندارد.

خصوصیات روش کیفی: پرسش ها و روش ها به صورت اکتشافی صورت می گیرد. به عبارت دیگر در ابتدای کار ممکن است به صورت قطعی در خصوص قرائند تحقیق تصمیم نگرفته باشیم و در پروسه تحقیق به این نتیجه برسیم که چه پرسش ها، روش ها و نظریه هایی را مطرح کنیم. بر همین اساس گرد آوری داده ها در یک وضعیت خاص و اکتشافی صورت می گیرد. تحلیل داده ها به روش "استقرایی" و تفسیر معانی صورت می گیرد. گزارش نهایی در این تحقیق بسیار انعطاف پذیر است. نمی توانیم با قطعیت بر آن تاکید داشته باشیم. روش استقرا یعنی از جز به کل می رویم. داده ها را جمع آوری می کنیم، تحلیلی می کنیم و به یک کل می رسیم.

- **روش کمی:** ابزاری برای آزمایش نظریه های هدف با بررسی رابطه میان متغیرها است. به عبارت دیگر بر مطالعه رابطه میان متغیرها متمرکز می شود. به این معنا که بدانیم 2 متغیر چه تاثیری بر هم دارند. در روش کیفی در حقیقت آنچه ما از آنها به عنوان متغیر استفاده می کنیم، مفاهیم و گزاره ها هستند. در روش کمی با متغیرها سر و کار داریم و آنها را اندازه گیری می کنیم. بنابراین در روش کمی داده های شمارش شده را می توان با استفاده از روش های آماری تجزیه و تحلیل کرد. یا نتیجه داده های کیفی به صورت کمی ارائه می شود.

- **روش های ترکیبی:** ترکیبی از دو شکل کمی و کیفی را در بر می گیرد. صرفاً گرد آوری اطلاعات به

صورت کمی یا کیفی نیست بلکه چیزی بیشتر از تجزیه و تحلیل ساده هر دو نوع داده می باشد.

پژوهش پرسشنامه ای (آزمون گرا یا پیمایشی)

با نمونه گیری از جمعیت برای روند ها، جهان بینی و نظرات ان جمعیت توضیح عددی ارائه می شود. اساس کار، پرسش نامه یا مصاحبه های سازماندهی شده است. پژوهش آزمون گرا مشخص می کند که آیا یک رفتار خاص بر رفتار خاص دیگری تاثیر می گذارد یا خیر و نتیجه را به صورت عددی نشان می دهند.

مثال: سؤال در روش کمی: داشتن معلم خوب چه تاثیری بر وضعیت درسی شاگردان می شود؟ یا،

داشتن مدارس مجهز به سیستم کامپیوتری تا چه میزان بر سطح آموزش محصلین تاثیر دارد؟

در مثال های فوق با آمار، ارقام و اطلاعات عددی می خواهیم چند موضوع را مشخص کنیم. برای نمونه در مثال دوم 1- آیا این مدارس سیستم کامپیوتری داشته اند؟ 2- چند درصد از دانش آموزان از این سیستم کامپیوتری استفاده کرده اند؟ چند درصد از آنهايي که استفاده کرده اند، وضعیت خوب درسی داشته اند؟ 3- چند درصد استفاده نکرده اند و بعد از استفاده از وضعیت درسی آنان تغییر کرده است؟

استفاده از آمار و ارقام به این معنا نیست که پژوهش کمی است بلکه باید در نتیجه کار تحقیق با آمار و اعداد ارائه شود.

- راهبردهای تحقیقی مرسوم در روش های کیفی:

قوم نگاری: روشی برای پژوهش است که پژوهشگر در ان گروه فرهنگی بکر و دست نخورده ای را در محیط طبیعی در دوره زمانی طولانی مورد مطالعه قرار می دهد. در این راه از گردآوری داده های درجه یک، مشاهد و مصاحبه بهره می گیرد. روش پژوهش در این شیوه انعطاف پذیر و بیشتر مبتنی بر متن (جایی که گروه فرهنگی زندگی می کنند) و در پاسخ به واقعیت های زنده پیش رو در میدان پژوهش صورت می گیرد. تحقیق کاملاً میدانی است و اطلاعات به وسیله خود محقق به صورت یک به یک از افراد گرد آوری می گردد.

نظریه بنیادین: شیوه ای برای تحقیقی است که پژوهشگر در ان نظریه ای کلی و انتزاعی را از یک فرآیند، عمل، تعامل یا نظرات شرکت کننده گان استخراج می کند. این فرآیند مراحل بسیاری از گردآوری داده ها و پالایش و مقابله دسته های داده ها را شامل می شود. از یک جامعه آماری عظیم اقدام به جمع آوری داده های می کنیم.

روش مطالعه موردی: روشی برای تحقیق است که در داخل رویداد، فعالیت یا فرآیند و یا درباره یک یا چند نفر کاوش می کند. یعنی یک مورد خاص را مورد مطالعه قرار می دهد.

روش پدیدار شناختی: روشی برای تحقیق است که در آن پژوهشگر بر اساس توضیحات شرکت کنندگان ماهیت تجربه انسانی را درباره یک پدیده ای شناسایی می کند. این روش نیازمند مطالعه اندکی از موضوعات همراه با تعامل گسترده و طولانی مدت برای پیشرفت معانی است. در این روش پژوهش گر تجربیات خود را کنار گذاشته و از تجربه دیگران استفاده می کند. در واقع شناخت خود را کنار می گذاریم و از تجربیات دیگران استفاده می کنیم. از نگاه افراد مورد مطالعه نسبت به آن پدیده استفاده می کنیم.

روش پژوهش روایی: پژوهشگر در زندگی افراد مطالعه می کند. درباره زندگی آنها از یک یا چند تن پرسش هایی می کند. آن گاه اطلاعات را به ترتیب زمان رخ دادن، بازگویی یا بازسازی می کند. در پایان روایتی که شرکت کنندگان از زندگی بازگو کرده اند، با دیدگاهی که از زندگی آنها به دست آمده است، در روایتی مشترک بیان می شود.

- **روش ترکیبی:** از سال 1959 مورد استفاده قرار گرفته است. آقایان کمپل و فیسک³ از این روش استفاده کردند برای این که قابل اتکا بودن روش ها را افزایش دهند. کارهای میدانی (پرسش نامه ای) با شیوه های مصاحبه ترکیب شد. داده های کمی و کیفی با یکدیگر ارتباط برقرار کردند. علت استفاده از این شیوه تقویت نتیجه گیری تحقیق بوده است.

- انواع روش های ترکیبی:

(الف) روش ترکیبی متوالی: روشی است که پژوهش گر با یافته ها یک روش در روشنگری یا پیشرفت یک روش دیگر می کوشد. این روش ممکن است با مصاحبه ای کیفی برای اهداف اکتشافی آغاز شود. با استفاده از روش پرسشنامه ای کمی با نمونه های بزرگ پیگیری شود. به گونه ای که پژوهشگر بتواند دست آوردها را در جامعه همگانی کند. همچنین مطالعه ترکیبی متوالی ممکن است با استفاده از روش کمی و نظریه و یا مفهوم آزمایش آغاز شود و با روش کیفی مانند مصاحبه دنبال می شود.

(ب) روش های هم رخداد: روشی است که پژوهشگر برای ارائه تحلیل جامع از موضوع پژوهش با آمیختن داده های کمی و کیفی انجام می دهد. در این نوع از طرح که تحت عنوان پژوهش همزمان هم مطرح است. هر دو شکل اطلاعات کمی و کیفی جمع آوری می شوند و آنها را تفسیر می کنند.

(ج) روش ترکیبی دگرگون شده: روشی است که پژوهش گر از دیدگاهی نظری استفاده می کند. هر دو نوع داده های کمی و کیفی را در آن وارد می کند. این دیدگاه چهارچوبی برای موضوعات مورد علاقه روش گردآوری داده ها و یافته ها و یا تحقیقات پیش بینی شده مطالعه را فراهم می سازد. در این دیدگاه می توان گردآوری داده هایی را در نظر گرفت که شامل رویکرد متوالی یا هم رخداد باشد.

-2- نظریه در روش های تحقیق:

³ Campbell and Fisk

کاربرد نظریه در هر یک از روشهای تحقیق (کمی - کیفی و ترکیبی) فرق دارد. مکان، زمان استفاده از نظریه با هم در روشهای کمی و کیفی متفاوت است. سوال اساسی برای محقق این است که چه نظریه ای برای سوالهای من در تحقیق بهتر است و چه نظریه ای برای پاسخهای من بهتر است و بیشترین بهره را دارد. در روش کمی نظریه ها برای پاسخ به پرسشها مورد استفاده قرار می گیرند. یعنی پرسشهایی داریم نظریه ای داریم به اساس آن نظریه تحقیق را انجام می دهیم و به پرسش پاسخ می دهیم. فرضیه هم که پاسخ احتمالی به سوال است بر اساس نظریه تنظیم می شود.

در روش کیفی در روش کیفی شیوه استفاده از نظریه متنوع است: (1) در نتیجه نهایی مطالعه، (2) از ابتدای کار نظریه مشخص است، (3) و یا در فرایند انجام انجام تحقیق و گردآوری اطلاعات. در روش ترکیبی هر دو شیوه مورد استفاده قرار می گیرد.

3- نظریه چیست؟ :

از دیدگاه کرلینجر⁴ نظریه مجموعه از سازهای مرتبط یا متغیرها تعریفی و مفاهیمی می باشند که دیدگاهی نظام مند ارائه می دهند و با تعیین روابط بین متغیرها، تعریف ها و مفاهیم برای توضیح پدیده های طبیعی استفاده می کند. پس مجموعه ای از متغیرها به هم مرتبط است.

مثال: رئالیست ها معتقدند که موازنه قوا باعث کاهش جنگ می شود؛ پس دو گزاره دارند 1- موازنه قوا 2- وقوع جنگ. یعنی این نظریه به صورت سیستماتیک رابطه بین موازنه قوا و وقوع جنگ را مشخص می کند
مثال: سازه انگاری: ساختارهای ذهنی را یک طرف داریم و شرایط نظام بین المللی را در طرف دیگر. پس سعی می کند که ارتباط بین این دو را معرفی کند. در واقع نظریه سعی می کند ارتباط این دو متغیر، مفهوم یا گزاره را مشخص کند.

4- نظریه به چه شکل بوجود می آید:

نمی توان در یک جا ساکت ماند و نظریه پردازی کرد. نظریه مختص کارهای علمی است و زمانی شکل می گیرد که یک رخداد یا پدیده بارها و بارها انجام گیرد در این صورت نظریه شکل می گیرد.

مثال: موازنه قوا باعث کاهش جنگ می شود (رئالیسم)؛ با بررسی بعمل آمده از زمانهای مختلف در شرایطی که ما شاهد موازنه قوا بودیم جنگهای بزرگ رخ نداده است. در شرایط مشابه در دوره های متفاوت اتفاق مشابهی رخ داده است. صددرصد قطعی نیست اما به شما توان پیش بینی می دهد و امکان درس بودنش بیش از خلاف آن است. اصلا علمی بودن یک نظریه به ابطال پذیری آن است و اینکه بشود آن را مورد آزمون قرار داد و اینکه در شرایط جدید این نظریه توان تحلیل وقایع را دارد یا خیر توان تحلیلی نظریه را به نمایش می

⁴ Mr. Kerlinger

گذارد. ولی اگر نظریه ای بسیار تکرار شود و خللی در توان تحلیلی آن بوجود نیاید دیگر این نظریه تبدیل به قانون می شود.

مثال: آب در در شرایط مساوی در دمای 100 درجه می جوشد یا خورشید هر روز از شرق طلوع می کند. که این موارد قانون هستند.

اما در روابط بین الملل نظریه ها بر اساس تکرار و شباهت وقایع قبلی شکل می گیرد و می توان درباره آن پیش بینی کرد. در نظریه با شباهتها سروکار داریم نه تفاوت ها. شباهت ها اساس نظریه را شکل می دهند. از نظر نیومن⁵ سه سطح از نظریه در خصوص علوم انسانی و اجتماعی وجود دارد.

5- سطح خرد

6- سطح میانه

7- سطح کلان

سطح خرد حوزه کوچکی از واحدهای مورد تحلیل را مد نظر خود قرار می دهد حوزه کوچکی از زمان، فضا یا افراد را برای مطالعه مد نظر دارد. **سطح کلان** مجموعه های بزرگ را مورد تحلیل خود قرار می دهد. و **سطح میانه** ارتباطی بین سطح خرد و سطح کلان برقرار می کند.

(مثال سطح کلان: رئالیسم ساختاری - لیبرالیسم)

(مثال سطح خرد: تصمیم گیری- انتخاب عقلانی)

(مثال سطح میانه: میانه بین این دو سطح ارتباط برقرار می کنند)

- مکان یابی نظریه

سؤال این است که در کار پژوهشی مکان یابی نظریه به چه شکل می تواند باشد و در چه زمانی از نظریه استفاده می کنیم؟ مکان یابی نظریه در سه سطح کمی، کیفی، و ترکیبی⁶ صورت می گیرد.

- مکان یابی نظریه در سطح کمی

تکلیف مکان یابی نظریه در سطح کمی مشخص تر و غیر قابل انعطاف پذیرتر است. در مطالعات کمی اگر پژوهش گر به صورت غیائی از نظریه بهره می گیرد، آن را در آغاز طرح خود قرار می دهد. غیائی یعنی از کل به جز می آید. در این قالب نظریه در کار کمی چارچوبی برای کل مطالعه می باشد و الگویی برای سازماندهی پرسشها و روش های گرد آوری داده ها را فراهم می کند. کارهای کمی فرضیه آزمون هستند یا نظریات را مورد آزمون قرار می دهند. بنابراین نظریه را در اول قرار می دهیم تا ببینیم در یک مورد خاص قابل بهره گیری استفاده است یا خیر.

⁵ Neuman

⁶ Quantitative, Qualitative and Mixed Methods

غیاثی بود استفاده از نظریه در تحقیق کمی: زمانی که یک فرآیند در نظریه کمی را دنبال می کنید در اصل 4 مرحله را مد نظر قرار می دهیم

الف: پژوهش گر در کار روش کمی یک نظریه را می آزماید یا اثبات می کند پس باید در ابتدا نظریه را مشخص یا تعیین کند.

ب: پژوهش گر فرضیه یا پرسشهای پژوهش را از نظریه استخراج می کند و مورد آزمون قرار می دهد.

ج: پژوهش گر متغیرهای پژوهش را از نظریه بیرون می کشد و مورد مطالعه قرار می دهد.

د: پژوهش گر با استفاده از ابزارهای مطالعه در کار کمی متغیر را ارزیابی می کند و بررسی می کند که آیا ارتباطی که در نظریه برای آنها پیش بینی کرده است وجود دارد یا نه.

- مکان یابی نظریه در روشهای کیفی

تنوع شیوه های استفاده از این نظریه بیشتر از کمی است. پژوهش گر می تواند از این نظریه به شیوه های گوناگونی در طرح خود استفاده کند.

الف: نظریه را در ابتدای کار آورده شود مثل روش کمی

ب: پژوهشگر به طور منظم نظریه را به طور فرآیندی که به پروسه کار شکل می دهد مورد استفاده قرار می دهد که به آن چارچوب حمایتی می گویند. یعنی در پروسه کار نظریه های مختلف را بررسی می کند با نتایج به دست آمده تا آن زمان. نظریه به شما این امکان را می دهد که پرسشها را شکل داده، جمع آوری و تجزیه تحلیل، طبقه بندی و در نهایت جمع بندی کنید.

مثال: می خواهیم رئالیسم را مورد مطالعه قرار دهیم: رئالیسم را چشم اندازی برای تحقیق خود قرار می دهیم. رئالیسم بر این باور هست که بازیگران اصلی دولتها هستند پس شما تمرکز خود را مربوط به دولتها می کنید پس سازمانهای بین المللی کنار می روند. (روی نهادهای دولتی متمرکز می شویم)

در نظریه تصمیم گیری: بروی فرد متمرکز می شویم یعنی بر روی این که فرد چه شخصیتی یا چه کتابی، آثار، گذشته یا از چه روشهایی استفاده می کرده است یا چه پستهایی در دولت دارند.

اینها سوالاتی می شود که در ذهن ما در خصوص فرد شکل می گیرد و نظریه کمک می کند که سوالات چطور شکل بگیرند.

- روش استقرایی: یعنی پژوهشگر نظریه را در آخر کار می دهد یعنی از جز به کل می رویم و در آخر کار نظریه را مشخص می کنیم.

الف: در ابتدای امر پژوهشگر اطلاعات را گردآوری می کند (مصاحبه، اسناد، مدارک، مقالات مطالعه شده)،

ب: پرسشهایی مطرح می کند که جواب مشخص را ارائه نمی دهد بلکه شرایط را منعطف می کند تا شما بتوانید مطالب جدید را وارد نمایید،

ج: اطلاعات را برای شکل دادن به ماهیت تحقیق دسته بندی می کند، سپس

د: آن را مورد مطالعه قرار می دهد و دنبال الگو برای اطلاعات می گردد،

ه: در پایان الگوهایی که از این کار در آورده است با نظریه های موجود تطبیق می دهد نتیجه می گیرد که با کدام نظریه این مطالعات قابل تطبیق است.

مثال: جدایی انگلستان از اتحادیه اروپا.

روش استقرایی: هیچ نظریه مشخص و معینی به کار گرفته نمی شود. در این روش هیچ جهت گیری نظری را در بر نمی گیرد و مانند پدیدار شناسی که در آن پژوهشگر می کوشد اساس مطالعه را تجربه شرکت کنندگان قرار بدهد. یعنی براساس تجربه خود فرد قرار می دهید و پدیده را مورد شناسایی قرار می دهید. هنوز خود پدیده مبهم است

مکان یابی نظریه در روشهای ترکیبی: در کارهای پایان نامه چندان مرسوم نیست و برای پژوهشگر حرفه ای مناسب است. این روش ممکن است نظریه را به هر دو صورت کمی و کیفی مورد استفاده قرار می دهد تا بتواند ارزشهای بافته های خود را افزایش دهند.

3- متغیر

- به چه چیزی متغیر گفته می شود؟

به طور خلاصه متغیر ها اشاره به خصلت فردی یا نهادی دارد که می توان آن را اندازه گیری کرد یا دید، و در میان افراد یا نهاد هایی که مورد مطالعه قرار میگیرند متفاوت است. به بیان دیگر متغیر مفهومی است که در پی کمی شدن پدیده ها جای خود را در تحقیقات علمی باز کرده است. طبق این تعریف متغیر پدیده ای است که می تواند مقادیر متفاوتی به خود بگیرد یعنی آن را شماره گذاری شود. در تحقیق های علمی متغیر ها بر اساس نقشی که در تحقیقات دارند طبقه بندی می شود. متغیر ها به 5 دسته تقسیم می شوند:

- متغیر مستقل
- متغیر وابسته
- متغیر تعدیل کننده
- متغیر مداخله گر
- متغیر کنترل.

متغیر مستقل :

متغیر مستقل گزاره ای است که نتایج را باعث می شود یا بر آن ها تاثیر می گذارد یا بر آن ها نفوذ می گذارد. متغیر مستقل متغیری است که علت است، چیزی است که در موارد دیگر که مد نظر شماست تاثیر می گذارد. برای مثال می خواهید تاثیر استفاده از لوازم کامپیوتری در آموزش دانش آموزان را مطالعه کنید. می خواهید

بگویند لوازم کامپیوتری چه تاثیری داشته است، بر نتایج آموزشی تاثیر گذار بوده است یا نه. پس متغیر مستقل شما به ابزار کامپیوتر و متغیر وابسته شما سطح کیفی آموزش با ارتقای وضع آموزش دانش آموزان می باشند. حالا در مثال های روابط بین الملل می خواهید تاثیر برجام را بر سیاست های خارجی جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار دهید. برجام متغیر مستقل شما و سیاست خارجی متغیر وابسته شما می باشند.

متغیر وابسته:

متغیر وابسته به متغیر مستقل بستگی دارد و پیرو دستاوردهای مستقیم متغیر مستقل است. به عبارت دیگر متغیر وابسته متغیری است که مشاهده یا اندازه گیری می شود تا تاثیر متغیر مستقل بر آن معلوم و مشخص شود. تاثیر متغیر مستقل بر روی متغیر وابسته خودش را نشان می دهد. برای مثال سیاست خارجه تاثیر پذیر است از برجام.

متغیر میانجی یا واسطه ای:

متغیری است که میان متغیر های وابسته و مستقل قرار می گیرد و اثر متغیر مستقل بر متغیر وابسته میانجی گری می کند. به طور مثال آتش باعث به جوش آمدن آب می شود. در اینجا متغیر مستقل آتش به صورت مستقیم بر روی متغیر وابسته آب تاثیر می گذارد. که آب متغیر وابسته و آتش متغیر مستقل است. آتش بر روی آب تاثیر می گذارد و آن را به نقطه جوش می رساند. لیکن متغیر های رطوبت هوا و ارتفاع سطح زمین متغیر هایی هستند که بین متغیر های آتش و آب قرار می گیرند و رابطه آن دو را تحت تاثیر قرار می دهند.

متغیر تعدیل کننده:

متغیر های جدیدی هستند کیفی و کمی که جهت یا میزان رابطه میان متغیر های مستقل یا وابسته را تحت تاثیر قرار می دهند. متغیر های تعدیل کننده را می توان متغیر های مستقل دوم نیز در نظر گرفت. یا به عبارت دیگر متغیر تعدیل کننده یک متغیر ثانوی است که از نوع متغیر مستقل است و محقق میل دارد آن را کنترل و دستکاری کند تا مشخص شود که آیا این متغیر رابطه متغیر وابسته و مستقل را تحت تاثیر قرار می دهد یا نه. برای مثال سطح رابطه هوش و نمرات دانش آموزان بررسی شود یا رابطه هوش پسر ها و دختر. متغیر تعدیل کننده شما می شود جنسیت که شما جنسیت را دارید دستکاری می کنید. جنسیت متغیر مستقل است که در دو شرایط متفاوت بررسی می شود. جنسیت و تاثیر بر میزان هوش و رابطه اش با متغیر وابسته که همان سطح نمرات است.

متغیر های کنترل و مداخله گر:

متغیر کنترل نقش بسیار فعالی در مطالعات کمی دارند. در یک تحقیق نمی توان تمام متغیرها را به طور همزمان مورد مطالعه قرارداد. بنابراین محقق اثر برخی از متغیرها را کنترل نموده و آنها را خنثی می کند. در اصل متغیر کنترل متغیری است که شما آن را تغییرش می دهید تا تاثیراتش را از دور خارج کنید. البته

این نوع متغییر در کارهای کمی بسیار کاربرد دارد و در کارهای کیفی به آن شکل کاربردی ندارد. به طور مثال در خصوص متغییرها ممکن است طبقه بندی سنی یا جنسیت ها را کنترل کنیم برای اینکه بتوانیم متغییرهای خودتان را کاهش دهید و تعدیل کنید.

به متغییرهای مداخله گر، متغییرهای مزاحم یا متغییرهای جعل هم می گویند. که در واقع در مطالعه دیده نمی شوند. این متغییرها وجود دارند اما تاثیر آن را نمی توان به صورت مستقیم اندازه گیری کرد. پژوهش گران اغلب پس از اتمام مطالعه در خصوص متغییرهای مداخله گر نظر خودشان را اعلام می کنند. یعنی بدون شناسایی روی مطالعه شما تاثیر گذار بوده اند که در آخر مشخص می شود. برای مثال نگاه تبعیض آمیز معلم به دختر و پسر؛ شما نمی دانید این چه تاثیری می توانسته داشته باشد در سطح نمرات جنسیت، ولی در نهایت یک نظر کلی در این مورد در پایان کار می توانید بدهید. یا شما می خواهید مطالعه کنید علت مذاکرات برجام چه بوده است. برجام و تاثیر آن بر سیاست خارجی، اینجا شما یک سری متغییر مشخصی دارید که برجام است که می خواهید آن را مورد مطالعه قرار دهید. ولی پس از برجام یک سری عللی هست مثلاً نقش ایالات متحده است. نقش اسرائیل و نهادهای بین المللی یا گروه های پنهان غیر رسمی.

4- تحقیق های بنیادی و کاربردی:

تحقیق ها به دو دسته اصلی تقسیم می شوند؛ تحقیقهای بنیادی و تحقیقهای کاربردی.

تحقیق بنیادی تحقیقی است که بر اساس علایق روشنفکرانه به یک پدیده برانگیخته می شود و هدفش بسط دانش است. اگرچه تحقیقات بنیادی هم ممکن است معطوف به هدف باشد اما هدف اصلی آن بسط دانش است. در اصل یک شکل اصلی تحقیق را می گویند اساس آن دانش برای دانش است. یعنی شما کار تحقیقی انجام می دهید و هدفتان گسترش دانش است. فارغ از اینکه این تحقیقی که در حال انجام آن هستید کاربردی در زندگی روزمره شما داشته باشد یا خیر. خود فهم و درک و ایجاد بینش در انسان هدف اولیه تحقیق است. برای مثل هنر برای هنر که شاید برای افراد معمولی اهمیتی نداشته باشد ولی محققین به این نتیجه رسیده اند که برای پیشرفت هنر این کار نیاز است. تفاوت این تحقیق با کاربردی این است که تحقیق بنیادی هدف اولیه و هدف بنیادیش گسترش و بسط دانش است.

تحقیق کاربردی که در اصل برای اصلاح کیفیت عمل در یک رشته خاص صورت می پذیرد. به طور کلی محققین کاربردی امیدوارند که کارشان مورد استفاده نهادهای مختلف مثل ادارات و سیاستمداران قرار بگیرد و به نوعی باعث اصلاح شیوه کاری ادارات در زندگی روزمره باشد. برای مثال تحقیق در خصوص مشکلات ادارات با هدف اصلاح و بهتر کردن شرایط در آن حوزه کاری صورت می گیرد.

مطالعات ارزیابی که شواهد یا اطلاعاتی را برای سنجش ارزش یک فرآیند با برنامه ارائه می دهد. هدف اصلی مطالعات ارزیابی ارائه یک اساس و بنیان برای تصمیم گیری است. مطالعات یا تحقیقات ارزیابی زیر مجموعه

تحقیقات کاربردی هستند. برای مثال يك برنامه آموزشی در يك مدرسه ایجاد شده و محقق مي‌خواهد آن را بررسی کند که بفهمد سودمند بوده است یا نه. یا برنامه به اهداف خود رسیده است یا خیر. به عبارتی میزان موفقیت یا عدم موفقیت در برآوردن اهداف آن برنامه خاص را مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

تحقیق کنشی نشان دادن يك مسئله خاص در يك مجموعه مشخص است. تحقیق کنشی اغلب به وسیله مردم در دنیای واقعی صورت می‌پذیرد که به حل علمی مسائل و ترتیب اجتماعی منجر شود. برای مثال يك مشکلی در کلاس وجود دارد و کلاس بازدهی لازم را ندارد لذا تحقیق کنشی انجام داده می‌شود و شما علت بازدهی پایین را در می‌یابید. یا يك کشور يك سیاست خارجه را اجرا نموده است و این سیاست بازده لازم را نداشته است. محقق وارد بررسی در این سیاست می‌شود و از متخصصین تحقیق می‌کنیم و هدف محقق تغییر علمی آن سیاست است.

به طور کلی: تحقیق يك فرآیند نظام‌مند است که ما درباره موضوعی بیشتر از قبل می‌فهمیم، به عبارت دیگر به فرآیند تحقیق می‌پردازیم تا در توسعه دانش (بنیادی) در يك حوزه کمک کنیم؛ یا يك نقطه خاص را اصلاح کنیم (کاربردی)؛ یا ارزش چیزی را ارزیابی کنیم (ارزیابی)؛ یا مسئله و مشکل محلی خاص را مشخص کنیم (تحقیق کنشی).

5- ماهیت تحقیق کیفی

ماهیت تحقیق کیفی چیست؟ در تحقیق کیفی محقق به دنبال کشف معنای يك پدیده است. تحقیقات کیفی به اینکه مردم چگونه تجربیات خود را تعبیر می‌کنند، چگونه دنیای خود را می‌سازند و به تجربیات خود چه معنایی نسبت می‌دهند توجه دارد (کشف معنای يك پدیده است)، و اینکه آن پدیده را مردم چگونه تجربه می‌کنند و در دنیای خود چه تعریفی از آن پدیده دارند. برای مثال به جای اینکه به این تحقیق بپردازیم که چه تعداد از افراد بازنشسته بعد از بازنشستگی به کارهای پاروقت رو می‌برند (تحقیق پیمایشی)، محقق کیفی درصد این است که بدانند چه میزان افراد بازنشسته خود را با وضعیت بازنشستگی تطبیق می‌دهند. یا چگونه به مراحل بعدی زندگی خود فکر می‌کنند. در واقع می‌خواهیم درکی از تجربیات دیگران داشته باشیم.

تحقیق کیفی از کجا آمده است و ریشه‌های تحقیق کیفی کجاست؟

این تحقیق به طور ویژه در بین محققین مردم شناس و جامعه شناسان رایج بوده است. به پرسشهایی درباره زندگی مردم و راههایی که دنیای خود را درک می‌کنند معطوف بوده است. چرا که جامعه شناسی و مردم شناسی در بطن جامعه به دنبال یافتن معنای فرهنگی و اجتماعی است که در يك جامعه وجود دارد. تحقیق کیفی در دنیای امروز بواسطه دو کتاب⁷ "کشف نظریه زمینه‌ای: راهبردهای تحقیقات کیفی" نوشته بارنی گلاسر و

⁷ Barney Glaser & Mr. Anselm Strauss, 1967 – Egon Guba, 1969

انسم اشتراوس و "به سوی روش شناسی تحقیق طبیعی گرایانه" نوشته ایگن گوبا به اوج خود رسید. خانم مریام معروفترین کتابهای در خصوص تحقیق کیفی را دارد.

- چشم اندازهای فلسفی در روش تحقیق کیفی:

چشم اندازهای فلسفی یعنی چه؟

نگاههای مختلفی وجود دارد که آیا ما در تحقیق می‌توانیم به واقعیت امور پی ببریم یا نه؟ آیا می‌توان با تحقیق به شناخت رسید یا ذهن انسان و توان عقلی انسان ناتوان است برای درک واقعی پدیده‌ها؟ چون در تحقیق کیفی نقطه اجماعی وجود نداشته است هر نویسنده تأثیرات فلسفی اساسی را به شیوه خود درک کرده است هر کدام بر اساس نگرش خود به تحقیق می‌پردازند. لذا چشم‌اندازهای فلسفی متفاوتی شکل گرفته است. برای مثال آیا هدف اصلی در بوجود آمدن داعش را می‌دانید؟

چشم‌اندازهای غالب: چهار چشم‌انداز فلسفی کلان در خصوص تحقیق کیفی وجود دارد که عبارتند از:

- چشم انداز اثبات گرایانه

- چشم انداز انتقادی

- چشم انداز تفسیر گرایی

- چشم انداز پست مدرن و پست ساختاری

چشم انداز اثبات گرایانه: فرض بر این دارد که واقعیت موجود در دنیای بیرون قابل مشاهده است یا ثابت می‌باشد و قابل اندازه‌گیری است. معتقدند که دنیای بیرون جدای از آن است که در ذهن ما وجود دارد. لذا می‌توان مورد تحقیق قرار داد و شناسایی کرد آن را و دانش حاصله از آن را علمی می‌گویند که مستلزم ایجاد قوانین ثابت است. تحقیقات آزمایشی نگاه اثبات گرایانه دارند.

الف: تجربه‌گرایی منطقی: از اثبات‌گرایی بوجود آمد و در جستجوی وحدت در علم است و مدعی است تفاوت‌های روش‌شناسی بنیادی در میان علوم طبیعی و بنیادی وجود ندارد.

ب: پست پوزیتیویسم یا پسا اثبات گرایی. معتقد است که دانش نسبی است و نه مطلق. یعنی ما هیچ وقت نمی‌توانیم به دانش صد در صد برسیم.

چشم انداز / تفسیر گرایی: فرض را به این می‌گیرد که واقعیت به طور اجتماعی ساخته می‌شود (در تئوریهای روابط بین‌الملل در نگرش سازه انگاری به آن می‌رسیم). يك واقعیت منفرد و قابل مشاهده وجود ندارد بلکه آن را متناسب با معیارهای خود می‌سازیم به همین خاطر ما با تعداد واقعیت‌های متکثری روبرو هستیم. یا به عبارتی تعبیرات متعددی از يك واقعیت خاص وجود دارد. بر این اساس محققان دانش را پیدا نمی‌کنند آن را می‌سازند.

در این چشم‌انداز (تفسیر گرایی) دو رویکرد مهم وجود دارد:

- پدیدار شناسی

- کنش متقابل

تحقیق پدیدار شناسی مطالعه این موضوع است که چگونه مردم مسائل را توصیف می‌کنند و از طریق حواسشان آن را تجربه می‌کنند. ما فقط می‌توانیم آنچه را بدانیم که با توجه به معانی و ادراک تجربه می‌کنیم پس تجربه یک شخص راهی به سوی تفسیر آن تجربه توسط آن شخص می‌باشد. یعنی تجربه عینی نیست که خارج از تفسیر باشد.

تحقیق کنش متقابل هم بر معنا تاکید دارد هم بر تفسیر. بخصوص تفسیری که مردم در کنش متقابل با یکدیگر می‌سازند. اهمیت کنش متقابل مربوط به تاکید خاص آن بر نمادها و فرآیند تفسیری است که کنش متقابل به عنوان بنیادی برای فهم انسان تلقی می‌کنند. تفاوت پدیدار شناسی با کنش متقابل در این است که کنش متقابل معنا و تفسیر در تعامل متقابل بین گروه‌ها شکل می‌گیرد.

چشم انداز انتقادی از صرف تفسیر یا تفسیرگرایی فراتر می‌رود. یا به عبارت دیگر از تفسیر فهم مردم از جهانشان فراتر می‌رود. (در نظریه‌های فمینیستی، نظریه‌های نژادی انتقادی، نظریه‌های مردم نگاری انتقادی). اما هدف اصلی چشم انداز انتقادی نقد و چالش به منظور تغییر می‌باشد. به دنبال تغییر دنیای بیرون است نه صرفاً فهم آن. یعنی باید میان تحقیقی که صرفاً در جستجوی فهم است با تحقیقی که به دنبال چالش است تمایز قائل شد. به عبارت دیگر بین تحقیقی که وضعیت موجود را می‌پذیرد و تحقیقی که به دنبال تغییر آن است تفاوت وجود دارد. پرسشهای محققینی که در چشم‌انداز انتقادی تحقیق می‌کنند معطوف به قدرت است. برای مثال چه کسی قدرت را در اختیار دارد؟ چگونه درباره آن مذاکره می‌کند؟ چه ساختارهایی در جامعه توزیع قدرت موجود را تقویت می‌کنند؟ در واقع می‌خواهند آن ساختار را بشناسند و بگویند چگونه به چالش کشیده می‌شود و چگونه می‌توان در آن تغییر ایجاد کرد.

چشم‌انداز پست مدرن یا پست ساختاری عقلانیت و روش علمی و قطعیت دنیای مدرن را کنار می‌گذارد. از این منظر تبیین‌هایی که از اشیاء در دنیا هستند به نمایش گذاشته می‌شوند چیزی جز روایت‌های کلان یا افسانه نیستند. به عبارت دیگر اصلاً حقیقت واحدی وجود ندارد، بلکه سخن از حقیقت‌های چندگانه است. پست مدرن از تنوع در میان مردم، عقاید و نهادها استقبال می‌کنند. و با پذیرش تنوع و تکثر در دنیا هیچ عنصری را قوی‌تر از دیگری تلقی نمی‌کنند. برای مثال علل و شکل‌گیری داعش را از چشم‌اندازهای فلسفی نگاه می‌کنیم:

اثبات گرایان می‌گویند کمبود آموزش باعث بوجود آمدن داعش است،

تفسیر گرایان می‌گویند بحث آموزش زیاد در این جا مهم نیست، چرا؟ اینکه مسلمانان دیگر هم همین آموزشی را دیده‌اند حداقل داعشی نشده‌اند. مهم این است که مسلمانان چه تفسیری از اسلام دارند.

انتقادی‌ها می‌گویند وجود نهادهای ناعادلانه باعث بوجود آمدن داعش شده است. مثل دموکراسی که باید تغییر کنند تا بتوانیم از این مسئله جلوگیری کنیم.

پست مدیرینها میگویند این امر خاصی است که خود به خود بوجود می‌آید. این تفسیرهای متکثری که وجود دارد باعث بوجود آمدن داعش شده است و داعش به خودی خود واقعی نیست و از میان تفسیرهای متعدد یکی از آنها به داعش شکل می‌دهد.

پس يك شروع پروژه تحقیق با بررسی جهت‌گیری شما به عنوان يك محقق و بر اساس ماهیت واقعیت هدف از انجام تحقیق و نوع دانشی که شما تولید می‌کنید آغاز می‌شود. با سوالاتی که در ذهن ما وجود دارد تکلیف خود را باید روشن کنیم تا بدانید به کدام يك از این رویکردها گرایش دارید.

6- مفاهیم اصلی در روش تحقیق: هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و روش پژوهش

هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و روش پژوهش در مورد چیستی و فرایند تحقیق صحبت می‌کند. ریشه در فرایند های هستی‌شناسی دارند. چرایی و چگونگی کار تحقیق را توضیح می‌دهند. روش‌شناسی و روش به هیچ وجه جدا از موقعیت های معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی نیستند. موقعیتهای هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و روش‌شناسی، موقعیت‌هایی را تولید می‌کند که منجر به دانش در جهان اجتماعی می‌شود. هدف پژوهش علوم اجتماعی فهم جهان اجتماعی است. چشم انداز های فلسفی یا پارادایم ها منابع مفروضات هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و همچنین ایده های نظریه پژوهش های اجتماعی را شکل می‌دهند. درون مایه کار تحقیقاتی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی است.

هستی‌شناسی:

نظریه عام در باره این است که چه نوع چیزهایی یا واقعیت‌هایی در جهان وجود دارد، به عبارت دیگر هستی‌شناسی اشاره به گستره ای از هستی‌ها و روابطی دارد که درون حوزه ای خاص و تخصص علمی پذیرفته می‌شود. هستی‌شناسی مفروضات رویکرد خاصی از پژوهش های اجتماعی در باره ماهیت واقعیت اجتماعی می‌باشد. به بیان دیگر هستی‌شناسی پژوهش بازتاب نگرش پژوهش‌گر در باره سرشت و ماهیت جهان است. و پژوهش در باره آنچه جهان اجتماعی را می‌سازد و چگونگی مطالعه آن می‌باشد. در اصل به این می‌پردازد که چه چیزی را در دنیای بیرون واقعی فرض می‌کنید و چه چیزی را غیر واقعی فرض می‌کنید. چه چیزی را هست می‌دانید و چه چیزی را هست نمی‌دانید. در اصل هستی‌شناسی بنیان مفروضات کار تحقیقی را شکل می‌دهد. مفروضات آن چیزی است که ما آن را قطعی فرض کردیم و می‌پذیریم آن وجود دارد و هست.

مثال: برای معالجه بیماری ام اس پزشك وجود بیماری ام اس را قطعی فرض می‌کند، یعنی در دنیای واقعی وجود دارد، حتی اگر با چشم دیده نشود و مفروض را این قرار داده که بیماری وجود دارد و باید مورد مطالعه قرار گیرد و راه معالجه آن بررسی شود.

معرفت‌شناسی:

مطالعه اینکه چگونه و چه چیزی را می توان شناخت و به عبارتی مطالعه ماهیت معرفت و توجیه آن می باشد. معرفت شناسی می تواند به مثابه توجیحه معرفت در نظر گرفته شود. به طور خلاصه معرفت شناسی پژوهش یعنی شناخت آنچه وجود آن پذیرفته شده است. به عبارتی آیا چیزی که من می خواهم مورد مطالعه قرار دهم در دنیای بیرون وجود دارد یا خیر؟ اینکه چگونه می توانیم دنیای بیرون را مورد پژوهش قرار دهیم معرفت شناسی است.

مثال پزشکی و بیماری ام اس: آیا مطالعه بروی این بیماری و شناخت آن وجود دارد یا نه؟ آیا می توان آن را شناخت و آن را برطرف کرد یا خیر؟ این معرفت شناسی است.

مثال داعش: آیا بنیادگرایی اسلامی وجود دارد یا خیر که این هستی شناسی است ، حالا وجود را می پذیریم سپس، آیا علل و شناخت ریشه های آن امکان پذیر است یا خیر؟ که این معرفت شناسی است. مفاهیم معرفت شناسی عبارت است از: تجربه گرایی، عقل گرایی، برساخت گرایی، قراردادی، نئورالیسم و ابطال گرایی.

مفروضات معرفت شناسی کیفی عبارت است از: برساخت گرایی و قرارداد گرایی.

بنابر مفروضات برساخت گرایی: معرفت روزمره حاصل مردمی است که درکی از برخوردهایشان با جهان فیزیکی و سایر مردم دارند و معرفت علمی اجتماعی حاصل کار دانشمندان اجتماعی می باشد که این معرفت روزمره را بازتعریف می کنند.

روش شناسی:

روش شناسی مطالعه روش ها و نه خود روش است. توصیف، تعریف و توجیه روش های تحقیقی است که محقق مورد استفاده قرار می دهد. مطالعه روش ها و توجیه کننده روش های پژوهش است. توجیه کننده روشی است که داده ها را جمع آوری و تحلیل می کند، یعنی می گوید از چه روشی استفاده کنید برای مطالعه. مثال پزشکی و بیماری ام اس: چه شیوه ای را مورد استفاده قرار می دهیم که به بهترین دریافت و شناخت از این بیماری برسیم.

مثال بنیادگرایی اسلامی: چه روشی بهترین روش برای مطالعه می باشد: پرسش نامه میدانی؟ مطالعه اسناد؟ این سوالاتی است که باید پاسخ دهید و بهترین روش شناسی را پیدا کنیم برای مطالعه تحقیق خود.

روش تحقیق :

عبارت است از تکنیک هایی برای گرد آوری شواهد و مدارک ، روش های پژوهش. واسط و پیامد عمل پژوهش می باشد.

مثال بیماری ام اس : به چه شکل مثلا" کار کالبد شناسی را برای رسیدن به هدف انجام می دهیم.

مثال بنیادگرایی اسلامی: به چه شکل اطلاعات را جمع آوری کنیم.

وب سایت مهارت افزایی با متد دکتر میرعابدینی
هستی شناسی گونه های مختلفی دارد:

هستی شناسی واقع گرایانه کم ژرفای

هستی شناسی واقع گرایانه مفهومی

هستی شناسی واقع گرایانه محتاط

هستی شناسی واقع گرایانه دقیق

هستی شناسی واقع گرایانه ایده آلیستی

هستی شناسی فراواقع گرایانه

هستی شناسی کیفی:

هستی شناسی واقع گرایانه محتاط

هستی شناسی واقع گرایانه ژرفایی

هستی شناسی واقع گرایانه دقیق

هستی شناسی واقع گرایانه ایده آلیستی

هستی شناسی واقع گرایانه خرد واقع گرایانه

هستی شناسی واقع گرایانه محتاط: واقعیت وجود مستقلی دارد. لذا به دلیل نقص در هواس انسان، در واقع

عمل مشاهده فرآیندی تفسیری است که نمی توان به طور دقیق مشاهده کرد و بایستی نگرشی انتقادی اتخاذ شود.

هستی شناسی واقع گرایانه ژرفایی: واقعیت مشتمل بر سه حوزه است که می توان مشاهده کرد:

حوزه تجربی: آنچه مستقل از پژوهشگر وجود دارد.

حوزه بالفعل: حوزه پایین دست ساختارها و سازه ها که ممکن است به اسانی مشاهده نشوند.

حوزه واقعی.

هستی شناسی واقع گرایانه دقیق: واقعیتی مستقل و قابل شناخت وجود دارد که مستقل از محقق مسائل اجتماعی

است. مفروضات فرهنگی از دسترسی مستقیم به این جهان جلوگیری می کند و تمامی معرفت مبتنی بر

مفروضات و اهداف است بنابراین بر ساختی انسانی است و حتمی نیست.

هستی شناسی واقع گرایانه ایده آلیستی: که واقعیت دربرگیرنده تفسیرهایی است که مخلوق ذهن انسانی می

باشد. واقعیت های اجتماعی تفسیری از ترکیب های مشترکی است که کنشگران اجتماعی در زندگی روزمره

شان تولید و بازتولید می کنند.

هستی شناسی ایده آلیستی انواع گوناگونی دارد که عبارت است از:

واقعیت هایی وجود دارد که مستقل از واقعیت هایی است که به طور اجتماعی ساخته شده در ذهن انسان است. واقعیت بیرونی محدود کننده یا فراهم کننده فرصت هایی برای واقعیت های است که فعالیت ها را بر ساخت می کنند. بر ساخت های واقعیت به مثابه دیدگاه های متفاوت یا چنگانه درباره جهان بیرونی تلقی می شوند. هستی شناسی واقع گرایانه خرد: هیچ واقعیت یا حقیقتی وجود ندارد. پست مدرن ها وارد این موضوع می شود.

- معرفت شناسی :

مفروضات معرفت شناسی عبارت است از: تجربه گرایی، عقل گرایی، بر ساخت گرایی، قرارداد گرایی، نئورنالیسم و ابطال گرایی.

مفروضات معرفت شناسی کیفی عبارت است از: بر ساخت گرایی و قرارداد گرایی.

بنابر مفروضات بر ساخت گرایی: معرفت روزمره حاصل مردمی است که درکی از برخورد هایشان با جهان فیزیکی و سایر مردم دارند و معرفت علمی اجتماعی حاصل کار دانشمندان اجتماعی می باشد که این معرفت روزمره را باز تعریف می کنند.

برای اثبات این که معرفت می تواند حقیقت تلقی شود هیچ معیار دائمی وجود ندارد اما بر اساس مفروضات قرارداد گرایی نظریه علمی پرداخت شده توسط دانشمندان به عنوان ابزار های مناسب جهت سرو کار داشتن و ارائه نگاهی علمی به جهان خلق می شود. به عبارت دیگر نظریه ها واقعیت را توصیف نمی کنند بلکه آنچه از طرف اندیشمندان به منظور واقعی شدن در نظر گرفته شده است تعیین می کنند.

روش شناسی:

روش شناسی پژوهشی کیفی: پدیدار شناسی، نظریه بنیادی، روایی یا زندگی نامه ای، شهادت نامه ای، روایت و تاریخ زندگی، قوم نگاری، موردی.

روش تحقیق:

روش تحقیق چهره بیرونی هستی شناسی، معرفت شناسی و روش شناسی است. روش پژوهش يك مسأله عملی است. روش نمونه گیری و جمع آوری داده ها، و مدیریت داده ها در روش پژوهش است.

روش جمع آوری داده ها با اطلاعات کیفی: مشاهده، مصاحبه، گروه، جمع آوری متون موجود، استخراج داده ها از متون مختلف از داخل یادداشت ها یا کتب، یا از طریق جمع آوری تصویری، داده های کیفی را مورد استفاده قرار می دهند.

روش های تجزیه و تحلیل داده های کیفی شامل: مقایسه مستمر و دائمی، یادداشت برداری، نظریه سازی مبتنی بر تحلیل روایت، تحلیل گفتمان سیاست، تحلیل زبان شناسی.

هستی شناسی: راهبرد پژوهش را مشخص می کند.

معرفت شناسی: بر اجرای روش تأثیر می گذارد.

روش شناسی: در تعامل با اهداف سوالات و طرح مطالعه می باشد.

روش پژوهش: از اجزای اساسی عمل پژوهش می باشد.

8- روش کیفی:

مطالعه روش کیفی: در مورد تعداد و انواع روشهای کیفی هیچ اجماعی وجود ندارد. به عنوان مثال: پتن از شانزده سنت نظری صحبت می کند. افرادی مثل کرسول از پنج رویکرد صحبت می کند که عبارت است از تحقیق روائی، پدیدارشناسی، نظریه زمینه ای، مردم شناسی، مطالعه موردی. افرادی چون تش: از 45 رویکرد و روش کیفی صحبت می کند و یا افرادی مثل دن زین از شش روش کلی در روشهای کیفی صحبت می کنند. هفت روش مورد مطالعه در این کلاس عبارتند از:

- روش کیفی اساسی
- پدیدارشناسی
- نظریه زمینه ای
- مردم شناسی
- تحلیل روائی یا روائی
- تحلیل کیفی انتقادی
- مطالعه موردی

مطالعه روش کیفی اساسی:

ویژگی مرکزی تحقیق کیفی اساسی این است که افراد در کنشهای متقابل با دنیای اجتماعی خود واقعیت را می سازند. همانند چشم اندازهای فلسفی که پیش از این صحبت شد یعنی آنچه ما می بینیم و تفسیر می کنیم ساختهای ذهنی ما هستند. اساس روش کیفی که بر اساس آن شکل می گیرد همان سازه انگاری است. در این نوع روش محقق به فهم معنی پدیده در نظر یا در تفکر آنهایی که درگیر آن پدیده هستند می پردازد. لذا معنی پدیده در این نوع روش کشف نمی شود بلکه ساخته می شود. مثال: کامپیوتر چیست؟ محقق تعریف آنهایی که با کامپیوتر کار می کند را می پرسد، ممکن است تعریفی که آنها از کامپیوتر دارند، متفاوت با تعریف شما و آنچه در دنیای بیرون است باشد. یعنی اینکه محقق به دنبال آن است که بداند دیگران در ذهن خود از آن، چه می سازند. در واقع تعریف آنچه در ذهن افراد شکل می گیرد مد نظر است. واقعیت آن چیز هدف محقق نیست. بنابراین محققین این روش به چند مسئله توجه می کنند:

الف. چگونه مردم تجربیات خود را تفسیر می کنند

ب: چگونه دنیای خود را می سازند

پس هدف این روش، فهمی است که بر اساس آن مردم تجربیات خود را معنادار می کنند. در همه رشته ها و حوزه های کاربردی می توان این روش را پیدا کرد و دید. در این روش اطلاعات از طریق مصاحبه، مشاهده، تحلیل اسناد به دست می آید.

روش کیفی پدیدارشناسی:

فلسفه پدیدار شناسی زیر بنای روش کیفی است، به این موضوع می پردازد که چگونه تجربه یا دنیایی که در بیرون از ذهن انسان وجود دارد با ذهن انسان ارتباط برقرار می کند و به فکر انسان منتقل می شود. پس در اصل پدیدارشناسان به تجربه زنده انسان ها علاقه مند هستند و به عبارتی پدیدارشناسی مطالعه تجربه آگاهانه مردم در زندگی روزمره آنها می باشد. مطالعه پدیدارشناسی با تاکید بر ابزار خاص روش پدیدارشناسانه انجام می شود. این نوع تحقیق بر این مبنا استوار است که هر تجربه مشترک انسانها یک اساس و ذات دارد. در چارچوب قرار می گیرند، تحلیل می شوند و با آن ماهیت ذاتی و اصلی آن پدیدار مورد نظر محقق مقایسه می شود.

مصاحبه در روش می تواند روش اولیه جمع آوری اطلاعات باشد. محقق تجربیات خود و دیگران را مورد مقایسه با اطلاعات جمع آوری شده قرار می دهد. این روش را اصطلاحاً اپوخه⁸ می گویند به زبان یونانی به معنای قضاوت است. در این روش فهم روزمره کنار گذاشته می شود و از نگاهی نو به پدیده نگاه می شود. در فرآیند تفسیر این پدیده کیفیت های پدیده تشخیص داده می شود و توصیف می شود. هر درکی ارزش برابر دارد. یک توصیف کامل از پدیده مورد مطالعه ارائه می شود.

روش تحقیق مردم نگاری⁹:

تاریخ مردم نگاری به مردم نگاران اواخر قرن 19 برمی گردد که به مشاهده مشارکتی در میدان می پرداختند. به عبارتی مردم نگاران ، مردم نگاری می کنند. یعنی نوعی تحقیق انجام می دهند که در آن فرآیند نوشتن یافته ها محصول هم زمان خود کار می باشد. بنابراین در مردم نگاری فرآیند و نتیجه با هم هست. یعنی شما وارد اجتماعی می شوید و اقدام به جمع آوری اطلاعات می کنید و به مطالعه در مورد آن جامعه و هم زمان یافته ها را یادداشت می کنید. یعنی نوشتن یافته ها همان محصول کار است.

تمرکز آن بر جامعه و فرهنگ انسانی عامل و ویژگی مردم نگاری است. پس اگر قرار است چیزی در چارچوب تحقیق مردم نگاری قرار گیرد باید توضیحی از فعالیت اجتماعی انسان باشد که به عنوان الگوهای فرهنگی شناخته می شوند. نتیجه مطالعه تحقیق مردم نگارانه توصیف فرهنگ است.

⁸epoche

⁹ ethnography

روشهای مصاحبه های رسمی و غیر رسمی ، تحلیل اسناد، آثار، صنایع دستی همراه با خاطره های محقق که در داخل میدان در حال فعالیت می باشد و اتفاقات روزانه را ثبت می کند و احساسات او در مورد وقایع رخ داده در آن جامعه مجموعه داده های روش مردم نگاری را شکل می دهد. به عبارتی در این روش از زاویه نگاه فرهنگی به یک پدیده نگاه می شود.

روش تحقیق کیفی نظریه زمینه ای: در این روش محقق به عنوان ابزار اصلی جمع آوری و تحلیل اطلاعات به شیوه استقرایی می باشد، یعنی اطلاعات جزئی و خرد خرد را جمع می کنید تا به یک نتیجه کلان برسید. و محقق در این روش تلاش می کند که معنا را از داده ها بیرون بکشد و نتیجه نهایی این نوع تحقیق کیفی نظریه ای است که از درون داده ها استخراج شده است. تفاوت این روش با روشهای دیگر تمرکز آن به فرآیند نظریه سازی می باشد. داده ها در این نوع تحقیق از طریق مصاحبه، مشاهده، تحلیل اسناد می تواند بدست آید.

روش تحقیق تحلیل روایت را روایی: این روش از قدیمی ترین و سنتی ترین روش هایی است که جامعه بشری از آن استفاده کرده است. داستانهایی که در جوامع مختلف وجود دارد. نحوه معنا سازی تجربیات، شیوه ارتباط با دیگران و نوع فهم از دنیای اطراف می باشد. همین حالت را در زندگی روزمره امروز مشاهده می کنیم. اخبار از تلویزیون نگاه می شود و داستانهایی که در ذهن ما شکل می گیرد را به صورت داستان ها و روایات در جاهای مختلف تعریف می کنیم. اما محور اصلی تحقیق مبتنی بر تحقیق روایی در تحقیق کیفی استفاده از داستانها به عنوان داده های اصلی است. اصطلاحات دیگر این داستانها را می توان زندگی نامه، تاریخچه زندگی خود دانست. خود مردم نگاری می تواند در این چارچوب قرار بگیرد. تحلیل روایی تا حدودی با زبان شناسی ارتباط پیدا می کند.

روش تحقیق کیفی انتقادی: همه روش های انتقادی یک نوع اشتراکی دارند که می توان گفت ماهیت تفسیری دارند. اما در تحقیق انتقادی یک قدم پا فراتر گذاشته می شود. هدف نقد و چالش کشیدن به منظور تقویت کردن و تغییر در حوزه یا پدیده مورد مطالعه می باشد.

آنچه که روش تحقیق انتقادی را از روش های دیگر متمایز می سازد این است که این روش فقط برای مطالعه و فهم پدیده نیست بلکه برای انتقاد و تغییر در جامعه است. افرادی مثل مارکس، هابرماس، فرایر در این حوزه کاری سرآمد هستند. این روش بیشتر بر محیط تمرکز دارد تا بر افراد مثل فرهنگ و نهادهایی که کار آموزش و پرورش را شکل می دهند چه چیزهایی هستند یعنی به منافع چه کسانی در نظام آموزش خدمت می شود؟ چه کسانی به برنامه های خاص دسترسی دارند و چه کسی قدرت را ایجاد می کند و نتیجه ای این ساختاری که شکل می گرد چیست؟

مثال : این روش با نظریه فمینیستی ارتباط تنگاتنگی دارد

الف: روش کنش ضد مشارکتی در تحقیق انتقادی استفاده می شود که در آن هدف تقویت سیاسی مردم و درگیر کردن آنها در طراحی و اجرای یک برنامه است. و شناختی که مردم از این پدیده به دست می آورند باعث می شود تغییراتی را برای خود در آن جریان ایجاد کنند.

روش مطالعه تحقیق کیفی موردی: این روش بر فهم و معنا تکیه دارد. محقق اولین ابزار جمع آوری اطلاعات می باشد و راهبردهای این نوع تحقیق استقرایی هستند و محصول نهایی این تحقیق توصیف غنی از یک پدیده است. در اصل توصیف و تحلیل تحقیق از یک نظام محدود و مشخص است. یک مطالعه موردی تحقیق تجربی است که پدیداری معاصر را در محیط زندگی واقعی آن مورد تحقیق قرار می دهد. منظور از نظام محدود چیست؟ مطالعه موردی به بررسی یک مورد می پردازد منظور از مورد یک تمامیت واحد یک واحد مشخص حوزه ای است که می تواند یک سیاست خاص باشد.

پس در مطالعه موردی پدیده در یک محیط بسته رخ می دهد. منظور از مورد یک چیز واقعی است که به آسانی قابل تشخیص است. یکی از راههایی که بتوانیم محدودیت مورد مطالعه را مشخص نماییم این است که از خود بپرسیم که جمع آوری اطلاعات در یک محیط بسته را چگونه می توانیم انجام دهیم. یک گروه مشخص باید داشته باشیم. تفاوت این روش با روش های دیگر این است که شما یک واحد تحلیل را مورد مطالعه قرار می دهید نه یک پدیده را. برای جمع آوری اطلاعات از هر روشی می توان استفاده کرد از قبیل آزمایش، مصاحبه و غیره. خاص بودن مطالعه موردی، توصیفی بودن مطالعه موردی، اکتشافی بودن مطالعه موردی از ویژگی های مطالعه موردی هستند. تعیین اینکه چه زمان باید از این روش در تحقیق استفاده کرد بستگی به خود محقق دارد. چند نوع مطالعه موردی زیر مجموعه مطالعه کیفی موردی قرار می گیرند:

الف: مطالعه موردی مشاهده ای یا تاریخی

کلیه این نوع تحقیقات انجام تحقیق در طول زمان است. آن پدیده را از دریچه تاریخی مد نظر قرار می دهد. این نوع تحقیق توصیفی است و عناصر تاریخی و مطالعه موردی را با هم ترکیب می کند. عناصر تاریخی یعنی وقایع تاریخ معاصر مدنظر است و چون به وقایع معاصر می پردازد و مواردی به منابع مطالعه شما اضافه می شود که معمولاً در روش تاریخی وجود ندارد.

ب: تاریخچه زندگی افراد است که محقق مصاحبه کاملی با یک نفر انجام میدهد و جمع آوری اطلاعات می کند و به صورت یک داستان زندگی آن را ارائه می دهد.

ج: مطالعه موردی چند محلی: اسمهای مختلفی دارد: این نوع مطالعه متضمن جمع آوری داده ها از موارد مختلفی است و می توان آنها را مطالعه موردی واحد که ممکن است واحدها و موارد کوچکتر در درون داشته باشد را انجام می دهد و از یکدیگر متمایز می کند.

مثال: چند برنامه سیاسی را به صورت جداگانه مورد تحلیل قرار بدهید و در نهایت با ارزیابی و قضاوت که در نهایت نتیجه نهایی مطالعه موردی است معیارهای یک طرح یا برنامه سیاسی خوب را درآوریم و خصوصیات یک برنامه خوب را بتوانیم به شکلی بیان کرد.

توصیف، توضیح و قضاوت از کارهایی است که محقق در این روش انجام می دهد و در نهایت گزارشی را برای ارزیابی ارائه می دهد. یعنی قضاوت کردن عمل پایانی مطالعه موردی است.

پایان